



حسین حقانی زنجانی

مکتب افلاقی اسلام

مطالعه جوامع گذشته بخصوص جوامع ممالک شرق و غرب ما را باین حقیقت رهنمون می‌گردد که جامعه، هنگامی واقعاً مترقی و پیشرفته بوده، شکوفاست که در تمام جهات سیاسی - اقتصادی و کشاورزی - علمی و صنعتی و فرهنگی و اخلاقی و اجتماعی رشد و پویائی و تحرك لازم را داشته باشد و وقتی این پویائی و تحرك پیدا می‌شود که متصدیان این امور و مدیران و کارکنان و کارگزاران و بالاخره دست‌اندرکاران امور مملکتی در جهت سازندگی کشورهای خود، انفرادی صالح و با تقوا بوده بلزوم و نیک بودن عملی که انجام میدهند معتقد بوده، فکریات و خودسری درس نداشته باشند و کار را تنها برای خود و بمنظور درآمد و منافع مادی خویشان انجام ندهند بلکه در جهت رفاه جامعه و ترفی و تعالی کشور و تأمین آرمانهای

تقوا

و قبول مسئولیت
در تمام زمیینه‌ها

اسلامی خود به تکاپو بیفتند .
 ۳ - علائم و نشانه‌های متقین کدام است ؟ و از کجا بفهمیم که يك فرد ، صالح و شایسته و با تقوا است ؟ صلاحیت تصدی عمل را دارد ؟
 ۴ - آثار و نتایج تقوا در زندگی این جهان و جهان واپسین .

معنی تقوا از دیدگاه قرآن :

در قرآن مجید، ۲۱ آیه وجود دارد که کلمه «تقوا» بصورت‌های مختلف و صیغه‌های گوناگون بکار رفته است و لکن تمام آنها در یکی از چهار معنای مرحله عینیت نمرساند بلکه لازمست برای اثبات

عملی بودن قوانین آن ، آنها را در خارج بخوبی پیاده کنند و هنگامی خوب پیاده می‌شود که مجریان آن افرادی کاردان و صالح بوده شرط تقوا را واقعاً داشته باشند از این جهت اهمیت بررسی شعراء (اذقال لهم اخوهم نوح الاتقون - بیاد آورید مسأله «تقوا» در درون انقلاب و سازندگی زمانی را که نوح خطاب بقوم خود گفت آیا از بخوبی واضح می‌گردد .
 ۱ - خشیت (ترس) چنانکه در سوره حج وارد است (یا ایها الذین آمنوا اتقوا ربکم - ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا بترسید) و در سوره

متأسفانه افراد صالح و مؤمن با انقلاب یا خود را بدم کار نمی‌دهند و حاضر به قبول مسئولیت کار و عمل نیستند و آنهایی هم که حاضر به قبول مسئولیت هستند قدرت انجام کار و یا قاطعیت لازم را ندارند و نمیتوانند در مقابل ماجراجویان و فرصت طلبان و افراد ناصالح ولی پر قدرت ، عرض اندام کنند و بهست‌های حساس مملکتی را اشغال نمایند و در نتیجه چه بسا ممکن است انقلاب را به شکست بکشاند و این شکست وقتی بصورت فاجعه درمی‌آید که به پای اسلام و بنام اسلام صورت گیرد و اسلام را نارسا و غیر مفید بلکه غیر ممکن جلوه دهند .

۲ - بمعنی عبادت و بندگی چنانکه در سوره نحل وارد است (. . . لاله الا انا فاتقون - معبودی جز من نیست پس مرا بپرستید) و در سوره ۱۰۲ آیه ۵۲ (. . . اغیر الله تتقون - آیا جز خدا را عبادت می‌کنید) و در سوره شعراء (قوم فرعون الایتقون - آیا قوم فرعون خدا را عبادت نمی‌کنند ؟) .

۳ - عدم عصیان چنانکه در سوره بقره وارد است (. . . و ادخلو البیوت من ابوابها و اتقوا الله - به منزلها از طریق درهای آن وارد شوید و از اطاعت خدا سرپیچی و عصیان نکنید) .
 ۴ - یکتا داشتن خداوند و اخلاص در عمل چنانکه در سوره نساء می‌فرماید : (اتقوا الله - یعنی خدا را یکی قرار دهید) و در سوره حجرات وارد است : (اوتلك الذین امتحن الله قلوبهم للتقوی - آنان کسانی هستند که خداوند دل‌های

از اینرو موضوع «تقوا» را در مسائل زیر مورد بررسی قرار می‌دهیم :
 ۱ - ماهیت و معنی تقوا در قرآن و سنت
 ۲ - تقوا در چه زمینه‌ای و با چه شرائط و عواملی پیدا می‌شود ؟

آنان را برای توحید و اخلاص و یکتاگرایی قرار از آیات با تقوا شدن انسان را به تشخیص عقل داده است) و در سوره حج می فرماید: (... فانها احاله می کند چنانکه می فرماید: (الاتقون - من تقوی القلوب یعنی این اعمال و شعائر اسلامی آيا شایسته نیست تقوا را پیشه خود سازید) بخوبی همانا از اخلاص دلها ناشی شده است). (۱) استفاده می شود که تقوا یک عمل ارادی و اختیاری و در کتب لغات نیز نظیر این معانی گفته شده است و در خمیرمایه هرانسانی، حالت پیش گرفتن است مثل اینکه «اتقاء» بمعنای پرهیز کردن و راه تقوا و عمل صالح و صالح بودن از بدو خلقت ترسیدن خویشتن را به شدت از چیز زیان آور و قرار داده شده است چنانکه در سوره «الشمس» حفظ کردن و نگاه داشتن.

تقوا در دین اجتناب و دوری کردن از کارهایی خداوند بنفوس بشرها طریق پیروی از فجور و بدیها است که موجب زوال و از بین رفتن دین و یا ضعف و سستی آن و سبب عقوبت و عذاب دنیا و آخرت انسان و یا محروم شدن از فیوضات و بر خورداری از درجات آخرت می گردد.

تقوا به معنی پارسائی و پرهیزکاری و یک نوع صحیح و درست را بکار اندازد و مصالح عمل صالح احتراز و پرهیز کردن است و اگر بخدا نسبت داده و مفاسد عمل بد و زشت را خوب و روانداز کرده با هم شوم معنایش دوری جستن از عذاب الهی است و البته به سنجید عقل او بطور جزم او را بسوی نیکی و عمل این معنی وقتی تحقق می پذیرد که آدمی راه رضایت صالح و تقوا را همانمی می کند و طریق حق و حقیقت و خشنودی او را به پیماید آنها هم با فرمان بردن او امر برایش روشن خواهد شد.

خدای تعالی و شکر گذاری نعمت های او و این پس راه تقوا رفتن راه اختیاری انسان است کلمه در قرآن ۱۷ بار آمده است. (۲)

* * *

از مطالعه قرآن و کتب لغت و اخبار وارده در این باب بخوبی در می یابیم که تقوا یک حالت نفسانی است و یک نوع حالت باز دارندگی و عملی است اختیاری و عوامل مختلفی از قبیل اراده و عزم و تصمیم و ملاحظه مصالح دنیوی و اخروی و ایمان بخداوند و معرفت او و سایر عواملی که در آینده به برخی از آنها اشاره خواهد شد در انسان پدید می آید.

در مقابل تقوا بکار برده شده است و معنی فجور حالت

و از آنجا که خداوند در برخی از آیات امر بتقوا نفسانی میل بگناه و تبه کاری است و لواطی که بجهانی می کند مثل (اتقوا الله) و از آنجا که در موارد متعددی از قبیل ملاحظه مردم و غیر آن، گناهی از او نزد

مردم نمایان نشده باشد و لکن چون خمیر مایهٔ هرانسانی قرار داده است و انسانها باشناخت مسیر بدکاری در او وجود دارد و تزکیهٔ روحی انجام حق، اختیار دارند خود را در جاده تقوا قرار داده نکرفته است با فراهم شدن زمینه گناه مرتکب آن از گناه و فساد و فجور دور باشند و یامسیر فجور و میگردد چنین کسانی هرگز تقواندارند و جزو متقین گناه و عصیان رادربیش گیرند.

نیستند و از این جهت در آیهٔ دیگر ملاحظه می کنیم آری اگر هدایت را بمعنی انداختن در جاده حق (. . .) ام نجمع المتقین کالفجار - هرگز متقین را یا ناحق و سیر دادن در یکی از دو مسیر متضاد باشد مثل بدکاران قرار نمی دهیم - (سورهٔ ۳۸ آیه ۲۸) نه تنها اینکار برخداوند جایز نیست بلکه اصولاً با متقین در مقابل فجار قرار گرفته در دو صف هدف خلقت و آفرینش و مساله امتحان و آزمایش متضاد بایکدیگر قرار دارند و دارای آثار خارجی و بشری نیز ناسازگار است، از اینرو در قرآن کریم این روحی متضادی نیز می باشند بطوری که متقین در آیهٔ شریفه: (او تقول لوان الله هدانی لکن من روز قیامت در جوار رحمت الهی قرار می گیرند المتقین... یامی گوید اگر خدا مرا هدایت می کرد، چنانکه مجرمین و فجار در دوزخ معذب می باشند) (۳) همانا جزو پرهیزکاران بودم سورهٔ زمر آیه ۵۷) تذکر این نکته نیز لازمست که اختیاری بودن بقرینه کلمهٔ «لو» که برای امتناع می باشد بصراحت تقوا منافاتی با این ندارد که تقوا در اثر هدایت و دلالت دارد که هدایت خدا بمعنی انداختن خدا بنده و راهنمایی پروردگار پیدا می شود یعنی خدامسیر و را در خط متقین، محال می باشد.



جاده حق را با انسانها نشان داده و میل بهریک از دو طرف (تقوا و فجور) درز و ایای نفس و خمیر مایهٔ

لزوم دفاع از مومن

پیامبر اسلام (ص) فرمود

مَنْ أَدَلَّ عِنْدَهُ مُؤْمِنٌ فَلَمْ يَنْصُرْهُ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى أَنْ يَنْصُرَهُ أَذَلَّ لِلَّهِ عَلَى رُؤْسِ الْأَشْهَادِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

اگر مومنی را پیش کسی خوار کنند و او توانای کمک به او را داشته باشد و او را یاری نکند خداوند در روز قیامت او را پیش همگان خوار می کند.

نهیج الفضله ص ۶۵۸

۱ - قاموس القرآن ص ۴۹۳

۲ - نثر طوبی

۳ - سورهٔ ۱۹ آیه ۸۵